

مثنوی شیخ عزلتی

تصحیح نسخه خطی

تحقیق، تالیف و ویرایش

کامران پاشایی فخری، پروانه عادلزاده

(اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)

و

معصومه سالک ابراهیمی

سرشناسه : عزلتی خلخاللی، ادهم، -۱۰۵۲ق.

عنوان و نام پدیدآور : تصحیح نسخه خطی مثنوی شیخ عزلتی/ تحقیق. تالیف و ویرایش کامران پاشایی فخری، پروانه عادل زاده و معصومه سالک ابراهیمی.

مشخصات نشر : تبریز: بهستان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۵۸ ص.

شابک : ۱۲۰۰۰۰ ریال: 978-600-93069-3-0

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۱ق.

شناسه افزوده : پاشایی فخری، کامران، ۱۳۴۶ - مصحح

شناسه افزوده : عادل زاده، پروانه، ۱۳۵۳ - مصحح

شناسه افزوده : سالک ابراهیمی، معصومه، ۱۳۵۸ - مصحح

رده بندی کنگره : PIR۶۴۴۷/م۳۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۴/۱۶۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۵۵۱۷۱

تصحیح نسخه خطی مثنوی شیخ عزلتی

مؤلفان: کامران پاشایی فخری، پروانه عادل زاده (اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز) و معصومه سالک ابراهیمی

ناشر: بهستان - تبریز ۵۵۴۴۹۷۷-۴۱۱

حروفچینی و صفحه‌آرایی و مجری فنی: موسسه چرخ نیلوفر آذربایجان

طرح روی جلد: محمد زرنقی

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی: نگین فیلم

صحافی: آما

چاپ اول: ۱۳۹۱

چاپ: امید

ISSN:978-600-93069-3-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۰۶۹-۳-۰

کلیه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش: انتشارات و کتابسرای بهستان، تبریز - خیابان شریعتی شمالی

ساختمان ۱۳۰ طبقه اول واحد یک - انتشارات بهستان - تلفن: ۵۵۴۴۹۷۷-۴۱۱

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
مراحل تصحیح و شیوه کار	۲
تصحیح نسخ خطی	۴
شیوه‌های تصحیح متون	۴
تعریف نسخ خطی	۶
ضرورت و اهمیت تصحیح نسخه‌های خطی	۷
نگاهی به عصر صفویه	۸
دوره صفویه	۸
هم عصران عزلتی	۱۰
خاندان شیخ صفی‌الدین ابوالفتح اسحاق حسینی موسوی	۱۲
سیاست مذهبی شاهان صفوی	۱۴
مقامات روحانی و وظائف روحانیان	۱۵
اسامی معروف‌ترین متفکران و علمای عصر صفوی	۱۵
تاثیر و نفوذ مذهب در ادبیات عهد صفوی	۱۷
این مقاله باشد اندر پرست	۲۱
در مناجات است این گفتار نیک	۲۳
در نصیحت باشد این قول مفید	۲۵
در تمنای شراب بیخودی	۲۷
غزل	۳۰
مثنوی	۳۱

۳۲	این زبان شرع لاهوتی بود
۳۷	در بیان صحبت پیر و مرید
۴۱	حکایت
۴۳	در بیان فقر و علم عاشقی
۴۵	غزل
۴۵	هست در تنبیه غافل این بیان
۴۸	این بیان در معرفت باشد بیای
۴۹	غزل
۵۰	در بیان فضل انسان است این
۵۴	غزل
۵۴	در بیان ذم و اسباب جهان
۵۶	حکایت
۵۸	این تسمه آن کلام سابق است
۵۹	این حکایت بشنو و عبرت بگیر
۶۲	این حکایت طرفه تمثیلی بود
۶۳	در بیان عزلت است این چند بیت
۶۵	این حکایت شورش شوق آورد
۶۶	غزل
۶۶	همه مثنوی و حکایت
۶۶	این حکایت هست در ذکر شهود
۶۹	باشد این تحقیق تطبیق دگر
۷۲	مدح علم و ذم جهل است این بیان
۷۳	در بیان صدق و اخلاص و ریا

۷۴	مدح جود و ذم بخل است این کلام.....
۷۵	در بیان آن چه یک یک بشنوی.....
۷۶	ذم و کبر است این تواضع راست مدح.....
۷۷	در بیان عدل و راه مستوی.....
۷۹	در بیان خلق و انصاف و علم.....
۸۰	در بیان صبر و ذم با صبور.....
۸۱	در بیان رحم و ادب.....
۸۳	هست در ذم حسد این چند بیت.....
۸۴	در بیان توبه است و بازگشت.....
۸۵	در بیان لقمه‌های مختلف.....
۸۶	حکایت.....
۸۸	در بیان عجب خود بینی است این.....
۹۰	حکایت.....
۹۰	باشد این تحقیق اسرار صلوة.....
۹۱	در زکوة فضل آن ست این کلام.....
۹۳	در بیان فضل حج است و طواف.....
۹۶	در جهاد است و غزا این زمزمه.....
۹۷	حکایت.....
۱۰۰	در دلیل وحدت و تمثیل آن.....
۱۰۳	حکایت.....
۱۰۳	در خواص و نفس افلاک و نجوم.....
۱۰۵	این مقاله در حدوث است و قدم.....
۱۰۷	این حکایت هست تمثیل عجب.....

۱۰۸.....	حکایت.....
۱۰۹.....	تمثیل.....
۱۱۰.....	غزل.....
۱۱۰.....	مثنوی.....
۱۱۱.....	حکایت.....
۱۱۳.....	نقل.....
۱۱۴.....	حکایت.....
۱۱۶.....	ختم این دفتر بود خوف و رجا.....
۱۱۷.....	حکایت پسر ملا محمدالدین قناتزانی و تهمورخان کورکان.....
۱۱۹.....	حکایت.....
۱۲۱.....	در مناجات است ما را این چند بیت.....
۱۲۰.....	غزل.....
۱۲۱.....	حمد بی حد مهر خدای پاک را
۱۲۲.....	سید کونین ختم المرسلین
۱۲۴.....	هر که باشد اهل ایمان ای عزیز
۱۲۵.....	چار خصلت ای برادر در جهان
۱۲۵.....	چار چیز آمد بزرگی را دلیل
۱۲۶.....	شد دلیل نیک بختی چار چیز
۱۲۷.....	ای پسر بسیار خواهی خفته، خیز
۱۲۹.....	هر که را عقل است و دانش ای عزیز
۱۳۰.....	هست بی شک رستگاری در سه چیز
۱۳۱.....	چار چیز آمد بزرگ و معتبر
۱۳۱.....	چار چیز این خواجه کم دارد بقا
۱۲۱.....	کو مکرّم ساخت مشتی خاک را
۱۲۲.....	آخر آمد سوی فخرالاولین
۱۲۴.....	پاک دارد چار چیز از چار چیز
۱۲۵.....	پادشاهان را همی دارد زیان
۱۲۵.....	هر که او دارد بود مرد اصیل
۱۲۶.....	هر که این چار چیز بود مرد عزیز
۱۲۷.....	گر خبرداری ز خود بی گفته خیز
۱۲۹.....	می توانی یافتن در چار چیز
۱۳۰.....	با تو گویم یاد گیرش ای عزیز
۱۳۱.....	می نماید خرد لیکن در نظر
۱۳۱.....	گوش داری مومن میمون لقا

چهارچیز از چار دیگر شد تمام	چون شنیدی یادگیرش الفلام ۱۳۲
آدمی را چارچیز آرد شکست	با تو گویم یادگیر ای حق پرست ۱۳۳
فرض حق دیگر به جای آور دست	والدین از خویش راضی کردن است ۱۳۳
شد دو خصلت مرد ابله را نشان	صحبت و رغبت با زنان ۱۳۴
از دو کس پرهیز کن ای هوشیار	تا سرهم نکشی از روزگار ۱۳۵
هشت خصلت آور خواری بسروی	با تو بر گویم چه می گونی بگوی ۱۳۵
پس نیاید پنج چیز از پنج کس	یاد گیر از ناصح ای صاحب هوس ۱۳۶
چارچیز است از کرامت های خلق	یادگیرش چون ز من خواهی سبق ۱۳۶
معرفت حاصل کن ای جان پدر	تا بیایی از خدای خود خبر ۱۳۷
در ورع ثابت قدم باش ای پسر	گر همی خواهی که باشی معتبر ۱۳۸
چیست تقوی ترک شبهات و حرام	از لباس و از شراب و از طعام ۱۳۸
سه علامت دان که در احمق بود	اولاً غافل ز یاد حق بود ۱۳۹
سه علامت ظاهر آمد در بخیل	با تو گویم یادگیرش ای جلیل ۱۴۰
در سخا کوش ای برادر در سخا	تا بیایی از پس شدت رخا ۱۴۱
چار خصلت فعل شیطنانی بود	داند این ها هر که رحمانی بود ۱۴۱
سه علامت باشد اندر متقی	کی بود نسبت تقی را با شقی ۱۴۲
با لئیمان هم فقیری آورد	انده به سوار ایمان آور ۱۴۳
تا شوی در روزگار از صابران	رو مکین از دیدن سختی گران ۱۴۳
چارچیز است از کرامت های حق	مقبل است آن کس که گیرد این سبق ۱۴۴
هر که اسرار کند فاش ای پسر	از چنان کس دور می یاش ای پسر ۱۴۵
رو به پرسیدن بر خویشان خویش	تا که گردد مدت عمر تو بیش ۱۴۵
چیست مردی ای پسر نیکو بدان	اولاً ترسیدن از حق در نهان ۱۴۵
گر چه باشد بینوا در زیر دلق	خلق را منعم نماید پیش خلق ۱۴۶

۱۴۷ تعلیقات

۱۵۷ اصطلاحات عرفانی

۱۵۸ منابع و مأخذ

www.ketab.ir

علائم اختصاری

- ۱- (الف) علامت اختصاری نسخه اساس
- ۲- (م.ت) علامت اختصاری و نشانگر نسخه‌ی کتابخانه ملی تهران می‌باشد.
- ۳- در ارجاع به نسخه بدل علامت (-) نشان دهنده‌ی نداشتن کلمه یا کلمات و (+) بیان کننده‌ی کلمه یا کلمات اضافی نسبت به متن است.
- ۴- در مقابل واژه‌های نامفهوم متن علامت سوال (?) گذاشته شده است.
- ۵- در قسمت‌هایی از اشعار که کلمات افتاده است و پاک شده علامت (-) گذاشته شده است.

www.ketab.ir

مقدمه

وقتی سخن از ادبیات کشوری می‌شود یعنی سخن از ماهیت مردمان آن کشور است با تمام آرزوهای‌شان و رویاهای‌شان، با همه داشته‌ها و نداشته‌های‌شان همراه لبخندها و اشک‌های‌شان. روزها به شب پیوند می‌خورند و شب‌ها پرده از چهره برمی‌دارند تا دست در دست روز قرار دهند و این گونه است که روزها و ماه‌ها و سال‌ها و قرن‌ها به وجود می‌آید و در این گذر عمر که با آفرینش حضرت آدم (ع) آغاز شده است و تا آن روز که مشیت خداوند بخواهد، ادامه خواهد داشت هر روز اتفاق‌های تازه‌ای رخ می‌دهد گاهی نامش را حادثه می‌گذارند گاهی تدبیر، گاه جادو و گاه اختراع و اکتشاف و یکی از این رخدادها که قرن‌ها پیش اتفاق افتاد آن بود که مردم نوشتن را آموختند بر روی سنگ‌ها و دیوارها می‌نوشتند تا نوبت به دوات و ورق رسید نویسندگان نوشتند از بدی‌ها و ناپاکی‌ها، شیاطین و غول خلق کردند و با پاکی‌ها و خوبی‌ها افسانه و اسطوره ساختند و هم‌چنان قلم در دست انسان بر روی کاغذ می‌رقصید و شاید آن زمان که از خوبی‌ها می‌گفت و دیگران را به پاکی فرا می‌خواند هم‌چون عارفی بود که غرق سمای عارفانه بود و نویسنده بین قلم و خدا رابطه برقرار می‌کرد و بعد از گذشت سال‌ها از عمر این نوشته‌ها حالا زمان آن رسیده که این نوشته‌ها را به همه بشناسانیم و «این آرمان میسر نمی‌شود مگر با شناخت روش‌های درست و نادرست پیشینیان شناخت انتقادی از این روش‌ها به همان صورت که گذشتگان آن‌ها را وضع کرده‌اند و با آن زیسته‌اند؛ نه به گونه‌ای که گذشت روزگاران بر آن‌ها غبار تحریف و دگرگونی افشاند است. بسیاری از آثار گذشتگان از بین رفته ولی آن چه باقی مانده است هم از دگرگونی و تغییر مصون نبوده. آشنایی با تاریخ گذشتگان و استفاده از تجارب آنان و احتراز از آن چه آنان را گرفتار می‌کرد در صورتی مفید است که هم چنان که بوده بازسناسی شود. بسیاری از وقایع گذشته به صورت آثار مکتوب باقی مانده و به نسل‌های بعد رسیده است. احیای آن آثار یکی از راه‌هایی است که این شناخت را تضمین و تامین می‌کند. هر چند این شناخت به صواب نزدیک‌تر باشد مسلم است که سودمندتر تواند بود. در روزگار ما به این کارها «نقد و تصحیح» می‌گویند: کاری که نمی‌توان بی مدد آن، زندگی گذشتگان و آراء و عقاید آنان را بازشناخت. (آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب، ۱۳۸۶: ۱۸۵)

من حالا می‌خواهم از انسانی سخن بگویم که قلم را بر روی صفحه به رقص درآورده و سخنان پند آموز و شیرینی خلق کرده است فرهیخته‌ای که لقبی چون «شیخ» داشت نامش زین العابدین یزدی ملقب به شیخ عزلتی بود و این دیوان تصحیح شده، معروف به مثنوی

تصحیح نسخه خطی مثنوی شیخ عزلتی
شیخ عزلتی می‌باشد وی در سال ۱۲۰۰ هجری قمری می‌زیسته و معاصر شاه صفوی بوده است.

به قول صاحب کتاب «تاریخ یزد» نامش زین العابدین بود و در خط نستعلیق ثانی میرعماد بوده، ساکن کوی سلفر آباد، وفات‌اش در اواخر عهد شاه صفوی می‌باشد. از صفای ذوق‌اش هم این بس که از استادان شعر نکات بدیعی او را در بدیع و عروس سرمشق ساخته و به استشهادهار از آن پرداخته‌اند.^۱

کتاب «مثنوی شیخ عزلتی» از جمله آثار قدمای متأخری است که واجد محسنات نسخ خطی گران سنگ قدیمی است؛ چون آثار گذشتگان ما اعم از نوشته‌های تاریخی، ادبی، عرفانی و غیره مشحون از تجربه‌های موفق و ناموفق آنان است که سوای معرفی احوال خودشان و روزگارشان به جهت تکامل جامعه معاصر نیز موثر است؛ زیرا این تجارب، سهمی سازنده در تکامل جوامع انسانی دارند به گونه‌ای که اگر جامعه معاصر بتواند تجارب آنها را به درستی بررسی کند، تجربه‌های موفق را پی می‌گیرد و تجربه‌های ناموفق را کنار می‌گذارد.

(نقل با تلخیص، نقد و تصحیح متون: ۱۵)

و این کتاب نیز خالی از فواید پیش گفته نیست؛ هر چند که هنوز تصحیح و چاپ نشده است لذا مصحح با هدف تصحیح و تعیین نسخه معتبر و اصح آن و شناساندن مولف اصلی و این که با این کار می‌توان گامی هر چند کوچک در شناساندن این اثر، به جامعه‌ی پژوهشی کشورمان برداشت.

۲

مراحل تصحیح و شیوه کار

بعد از انتخاب موضوع پایان نامه و ارائه‌ی طرح تحقیق و تصویب آن توسط معاونت پژوهشی دانشگاه و گروه آموزشی، لازم بود قبل از هر اقدامی اطلاعات در مورد تصحیح متون و نسخه شناسی به دست آورم؛ لذا از طریق منابع اینترنتی (سایت‌های اطلاع رسانی نسخ خطی) و کتابخانه‌ی مرکزی تبریز و کتابخانه‌ی دانشگاه تبریز و دانشگاه اسلامی واحد تبریز و سایر کتابخانه‌ها، مقالات و کتاب‌های مفیدی در خصوص نسخ خطی و شیوه‌های تصحیح و هم چنین فنون نسخه‌شناسی، به دست آوردم. پوشیده نیست نقد و تصحیح متن چه مراحل و صعوباتی دارد؛ دکتر ستوده در این باره اظهار می‌دارد: «زحمت تصحیح یک متن خطی گاهی از دشواری یک تألیف مستقل بیش‌تر است و چه مایه خون دل باید خورد و رنج

^۱ . تذکره سخن وران یزد، جلد اول، ۱۳۴۱: ۴۰

تصحیح نسخه خطی مثنوی شیخ عزلی
برد تا از میان اختلافات گوناگون نسخه‌های خطی یک کتاب، بتوان متنی کامل و منقح و
نزدیک به متن اصلی کتاب ارائه داد.

(مرجع شناسی و روش تحقیق در ادب فارسی: ۴۳۳)

در اقدام بعدی جهت بررسی فهرس نسخ خطی کتاب خانیه مرکزی تبریز به آن جا
مراجعه نمودم که این جستجو در میان فهرس اطلاعاتی در مورد نسخه «مثنوی شیخ
عزلی» به دست آوردم و موضوع‌های ذکر شده باعث ایجاد علاقه‌ی بیش‌تر بنده به موضوع
کتاب شد. در معرفی کتاب چنین آورده شده است که مثنوی شیخ عزلی مثنوی اخلاقی و
عرفانی است که دو بخش است یک بخش شامل چهل باب می‌باشد که هر باب در رعایت
چهار مورد اخلاقی است. هر بخش دوم شعرها با حمد و ثنای خدا شروع می‌شود و سخن از
پیامبری حضرت محمد (ص) و ولایت حضرت علی (ع) و جانشینی حضرت مهدی (عج) ادامه
پیدا می‌کند و شامل سی گفتار هفت حکایت و یک مثنوی می‌باشد.

هدف از انتخاب این کتاب جهت تصحیح در درجه‌ی اول شناساندن آن و نویسنده‌اش به
جامعه‌ی ادبی، آشکار ساختن ویژگی‌ها و ارزش ادبی کتاب، همراه با تصحیح انتقادی اثر و به
دست آوردن نسخه‌ی اصح و هم‌چنین اشاره کردن به شرح حال نویسنده می‌باشد در ادامه
کار به سراغ کتاب‌خانه‌های دیگر شهرهای ایران مراجعه کردم که متأسفانه فقط یک نسخه
دیگر آن هم در کتاب‌خانه ملی تهران موجود بود به طور کلی شکاف نقد و تصحیح متون را که
به‌نوعی گریبان‌گیر بنده بود می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱- صعوبت نقد و تصحیح متون و تحقیق درباره‌ی آن‌ها به خصوص برای دانشجویان
کارشناسی ارشد و دکتری با توجه به مشکلاتی که ذکر گردید.

۲- «نبودن ابزار و اسباب تحقیق: هر کاری ابزاری مخصوص به خود دارد. بدون ابزار، انجام
دادن کار دشوار است. فهرست‌های موجود، بخشی از این ابزار هستند، اما استفاده از آن‌ها هم
خالی از دشواری نیست. هر کدام را فردی با سلیقه‌ی شخصی فراهم و بدون توجه به نیاز
احتمالی خوانندگان به ویژه نسل جوان تدوین نموده است. وجود نمایه‌بای خوب می‌تواند
ابزار قوی در این مورد باشد»

(آشنایی با نسخ خطی، ۱۳۸۶)

۳- کمبود آثاری که اصول نقد و تصحیح متون را آموزش می‌دهد.

«کتاب روش نقد و تصحیح متون یکی از این آثار است؛ ولی وجود یک منبع با وجود
دشواری‌های استفاده از آن نمی‌تواند محرک و مشوق خوبی برای کاری فراگیر و بزرگ باشد.
این کتاب و امثال آن ضروری است؛ اما کافی به نظر نمی‌رسد. تدوین کتاب‌هایی در این

تصحیح نسخه خطی مثنوی شیخ عزلی
زمینه که به طور فراگیر همه مسائل از جمله گویش‌ها و رسم الخط‌های اعصار گذشته را
نشان می‌دهد حرکتی ارزشمند است»

(نقل با تلخیص، آشنایی با نسخ خطی، ۱۳۸۶)

۴- نبودن متولی خاص برای آموزش مصححان متون خطی
متأسفانه در دانشگاه‌ها، رشته‌ای یا دست کم گرایش در حوزه‌ی تصحیح متون خطی
نیست. اغلب علاقه‌مندان به تصحیح متون براساس علایق شخصی و تجارب اکتسابی به این
کار مبادرت می‌کنند و از طرف هیچ ارکان یا نهادی مورد حمایت و تشویق قرار نمی‌گیرند.
«تشویق افراد از طریق ارائه‌ی برنامه، حمایت مادی و معنوی و تربیت برنامه‌های دانشگاهی
می‌تواند بخشی از این مشکلات را بر طرف کند.» (آشنایی با نسخ خطی، ۱۳۸۶)
... و اما در این جا لازم می‌دانم به طور موجز شیوه‌های ممتاز در تصحیح متون را برای
آشنایی علاقه‌مندان تبیین کنم؛ شاید که مورد عنایت قرار گیرد و این راه پر سنگ لاخ با
صلابت تمام برای اندیشه‌مندان و علاقه‌مندان تسهیل گردد.

تصحیح نسخ خطی

مراد از تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی بازمانده از گذشتگان آن است که از روی
نسخه‌های خطی موجود نسخه اصلی یا نزدیک به اصل یک اثر را احیاء کرد یعنی آن را
حتی‌المقدور از لحاظ کیفی و کمی به گونه‌ای درآورد که همانند یا نزدیک به نوشته مولف اثر
باشد در تصحیح متون نسبت به تعداد نسخ، میزان آگاهی مصحح یکی از روش‌های تصحیح
متون مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شیوه‌های تصحیح متون

۱- روش انتقادی

مراد از انتقاد در این جا، انتخاب بهترین و اصلی‌ترین نسخه، پس از مطالعه موشکافانه و
بصیرت کامل در میان نسخ موجود است. در این روش، اصلی‌ترین نسخه، قدیمی‌ترین نسخه
از حیث تاریخ تحریر یا کشف و اثبات نسخه‌ای است که به دست خود صاحب اثر تحریر شده
باشد. این روش در جایی به کار می‌رود که از یک اثر چندین نسخه به دست آید. در این
صورت نسخه مولف یا نسخه مورخ قدیمی‌تر، به عنوان نسخه اساس عیناً در متن خواهد آمد.
متن نسخ دیگر به هیچ وجه در داخل متن آورده نخواهد شد و تنها به عنوان نسخه بدل‌ها از
آنها استفاده خواهد شد. مگر در جایی که نسخه اساس، افتادگی، پوسیدگی و یا صد درصد
ناخوانایی داشته باشد.

۲- روش التقاطی

در این روش، مصحح نسخه قدیمی تر را به عنوان نسخه اساس می‌پذیرد، ولی هر جا تردیدی در اصالت متن احساس کند، خود را محق می‌داند مطلب را از نسخه‌های دیگر جایگزین گرداند. این روش، اگر چه شباهتی نزدیک به روش انتقادی دارد، لکن باید متوجه بود که مصحح در روش نخستین، تنها در موارد جزئی، سقط و قلم خوردگی و ناخوانایی و غلط مسلم، آن هم با احتیاط کامل و با در نظر داشتن سلسله مراتب تاریخی نسخه بدل‌ها، از نسخ دیگر بهره می‌گرفت، در حالی که در روش التقاطی، مصحح بی توجه به موارد مذکور، در واقع از مجموع نسخ، متنی تهیه می‌کند.

۳- روش قیاسی

در این روش آراء متفاوتی ارائه شده است، برخی معتقدند مراد از قیاس، تهیه متنی است که از نتیجه مقایسه بین نسخه‌های متفاوت حاصل آمده است. گروهی دیگر اعتقاد دارند منظور از قیاس این که وقتی متن خطی هیچ یک از نسخ- یا نسخه واحد- کمکی در حل مشکل فقدان یا ناخوانایی عبارت یا کلمه نمی‌کند؛ تنها توسل به قیاس در دیگر عبارات مولف در همان کتاب یا در دیگر آثار او، تا چه حدودی ذوق و سلیقه و حدود دانش مصحح می‌تواند در تغییر و دگرگونی اصل متن مداخلت داشته باشد. گفتنی است که در نسخه‌های منحصر به فرد، چاره‌ای جز تصحیح قیاس نیست.

۴- روش اجتهادی

در این روش، مصحح بی توجه به هر نوع روش دقیق و منظم، تنها با اتکا، به ذوق و سلیقه و توان علمی خویش کار تصحیح را انجام می‌دهد. شاید به نظر برخی این روش شباهتی به روش قیاس داشته باشد، ولی چنین نیست. زیرا مصحح در روش قیاسی لاقلاً پیرو ضابطه‌ای هست، در حالی که پیرو روش اجتهادی فاقد هر نوع ضابطه‌ای است. در این روش، مصحح در هر اشکال و ناتوانی متوسل به رأی و اجتهاد خویش می‌شود.

۵- روش تمثیلی

این روش، از نظر عملی نظیر روش قیاسی است. زیرا در هر دو روش مذکور، تصحیح به اتکای قیاس انجام می‌گیرد. با این تفاوت که در روش قیاسی، قیاس از روی آگاهی و بصیرت مصحح است پس از آشنایی دقیق با تمامی آثار مولف و مراجعه مداوم به آن‌ها. هم‌چنین کلیات اثر تصحیحی با تمامی ویژگی‌های آن در تسلط ذهن مصحح می‌باشد.

۶- روش فاکسیمیلای و روش جامد

مراد از فاکسیمیلای، چاپ تصویری از عین نسخه خطی است. از این روش وقتی استفاده می‌شود که از یک اثر فقط یک نسخه خطی وجود داشته باشد و کسی جرئت تصحیح انتقادی

تصحیح نسخه خطی مثنوی شیخ عزلتی را به انکای فقط یک نسخه نداشته باشد یا به عبارتی به هر دلیلی توانایی لازم در او نباشد. در این روش هیچ چیزی بر متن اصلی افزوده نمی‌شود و فقط مقدمه‌ای در توصیف نسخه ارائه می‌گردد.

بعد از مطالعه‌ی شیوه‌های تصحیح، با توجه به طبیعت و چگونگی نسخه‌های موجودی که در اختیار داشتیم، نسخه‌ی اساس را مشخص کردم. نسخه‌ی کتاب‌خانه ملی تبریز دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی بود که باعث شد آن را به عنوان نسخه‌ی اساس قرار داد. و نسخه‌ی دوم را با آن مقابله نمایم. اولین ویژگی و امتیاز نسخه‌ی مذکور، قدمت آن است چرا که قدیمی‌تر از نسخه تهران محسوب می‌شود و دیگر این که در ابتدای متن این کتاب فهرست کتاب آورده شده است هر چند که خود کتاب ناقص می‌باشد ولی این فهرست شامل اشعار نسخه دوم نیز می‌باشد. هر چند به دلیل بی‌توجهی در مراقبت از نسخه و کم دقتی در صحافی کتاب بدون توجه به رکابه‌ی صفات، شاهد افتادگی و جابه‌جایی بعضی اوراق هستیم؛ ولی این عوامل، چندان از اهمیت و ارزش این نسخه نمی‌کاهد و در زمان حاضر کامل‌تر از نسخه تهران به حساب می‌آید. نسخه به خط زیبایی نستعلیق نگارش یافته است.

بعد از روشن گشتن ارزش و اعتبار این نسخه در مقایسه با نسخه دیگر، آن را نسخه‌ی اساس قرار دادم ولی نه اساس مطلق بلکه، آن قسمت‌های که فهرست موضوعی اشعار مربوط به نسخه‌ی دوم، در نسخه اساس موجود بود آورده و اشعار را نیز در بخشی جداگانه نوشتم. در آخر باید گفت این پایان‌نامه که مجموعه‌ی اشعار شیخ عزلتی می‌باشد به سه بخش تقسیم می‌شود:

بخش اول: شامل اشعار مشترک در دو نسخه می‌باشد.

بخش دوم: شامل اشعاری است که در نسخه اساس آمده و در نسخه تهران وجود ندارد.

بخش سوم: شامل اشعاری است که فهرست موضوعی آنها در نسخه اول وجود دارد اما خود اشعار در نسخه دوم می‌باشد.

تعریف نسخ خطی

«... در تعریف نسخ خطی گفته‌اند: «کتابی دست نوشته که تاریخ آن مربوط به قبل از اختراع چاپ یا هم زمان با اختراع چاپ است و متمایز از ستد، نامه یا پژوهش‌نامه‌ای است که با دست نوشته شده باشد.»

(اصطلاح نامه کتابداری، ۱۳۶۵)

در تعریف نسخ خطی وجود مرکب و کاغذ و قید دست نویس مربوط به دوران قبل از اختراع چاپ بودن ضروری است.